

کلیمان هوآر، ایران‌شناس فرانسوی

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران، مرکز پژوهشی زبان خارجی)

کلیمان هوآر^۱ (۱۸۵۴-۱۹۲۶) از آخرین ایران‌شناسان فرانسوی در حوزه سه زبان زنده شرقی (فارسی و عربی و ترکی) است که به عنوان پنجمین استاد کرسی زبان فارسی در مدرسه زبان‌های زنده شرقی^۲ پاریس، آثار متنوع و گاه بی‌بدیلی درباره ادبیات فارسی، دستور زبان فارسی، گویش‌های ایرانی، و تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی منتشر کرده است. ظاهراً افرادی از خانواده وی به عنوان مترجم در کنسولگری‌های فرانسه در شرق خدمت می‌کردند. در دهه ۱۸۷۰، علاوه بر مدرسه زبان‌های زنده شرقی که شارل شِفر^۳، در آن، زبان فارسی تدریس می‌کرد و مدرسه زبان برای جوانان^۴ که آپل پاوه دوکورتی^۵، در آن، معلم زبان‌های فارسی و عربی و ترکی بود، مرکز آموزشی نوپنیا^۶ (۱۸۶۸) مدرسه مطالعات عالی^۷ در پاریس کنجکاوی هوآر را برانگیخت و، تقریباً هم‌زمان با ژام دارمستیر^۷، وارد آن شد و به ایران‌شناسی روی آورد. وی، در این مدرسه، زیر نظر استانیسلاس گیار^۸، استاد کرسی زبان‌های فارسی و عربی، به فراگیری زبان فارسی پرداخت و، در ۲۵ نوامبر ۱۸۷۴، از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «انیس العشاق»، رساله در تعبیرات مجازی

1) Clément Imbault HUART

2) Ecole des langues orientales vivantes

4) Ecole des Jeunes de Langues

6) Ecole pratique des hautes études

8) Stanislas GYUARD

3) Charles SCHEFER

5) Abel Pavet de COURTEILL

7) James DARMESTETER

در توصیف زیبایی، اثر شرف‌الدین رامی، ترجمه از زبان فارسی با حواشی^۹، به راهنمایی گیار و هیئت داورانی چون شارل دفُرمیری^{۱۰}، ایران‌شناس و عربی‌دان، و اوگوست کاری‌پیر^{۱۱}، ارمنی‌شناس، دفاع می‌کند. از نظر تاریخی، این نخستین باری بود که رساله‌ای درباره ادبیات فارسی در عصر اسلامی در این مدرسه دفاع می‌شد - بدعتی که تداوم یافت. در این رساله، که در سال ۱۸۷۵ منتشر شد، هوآر، درباره واژه‌ها و اصطلاحاتی چون عنبر، شام غریبان، ماچین، چوگان، اسپند و زبان حال بحث مبسوط می‌کند. انیس العشق ابتدا، به همراه عجایب المخلوقات زکریا قزوینی (حدود ۶۰۰-۶۸۲) در هند به طبع می‌رسد. سپس، در سال ۱۳۲۵ ش، عباس اقبال آشتیانی آن را ضمیمه مجله یادگار منتشر می‌کند. (طبری، ص ۸۶ و ۸۷)

موقّقت هوآر باعث می‌شود، در جلسه ۸ ژانویه ۱۸۷۵ انجمن آسیائی پاریس^{۱۲}، به معرفی باریبه دو منار^{۱۳} و گیار، به عضویت آن انجمن انتخاب شود (J.A., 1875, t. 5, p. 339).

وی، از سال بعد، همکاری خود را با مجله آسیائی (J.A.) با سپردن رساله درباره فرجام سلسله ایلخانان^{۱۴} - که بی‌شک تحت تأثیر تحقیقات ایتین مارک کاترمر^{۱۵} نوشته شده بود - برای چاپ در آن آغاز کرد. ژان دُنی^{۱۶}، ترک‌شناس و همکار هوآر در مدرسه زبان‌های شرقی، با تأکید می‌گفت که وی در سال ۱۸۷۴، پس از دو سال تحصیل در زبان ترکی، موفق به کسب گواهی آن شده بود (Turc (1795), p. 29). اما هوآر خود، در سخن از تحصیلات و آثارش، اشاره‌ای به این دوره دو ساله نمی‌کند. آنچه مسلم است، وی در حدود سال‌های ۱۸۷۴-۱۸۹۸ یعنی تقریباً به مدت بیست و پنج سال، در استانبول و دمشق، در مقام نایب کنسول و کنسول و سپس کنسول ژنرال، به خدماتی، از جمله به سمت مترجم اول سفارت فرانسه، اشتغال داشت و، طی همین مدت، با مجله آسیائی، همکاری مستمر داشت و متعاقباً به مدیریت آن انتخاب شد.

اقامت طولانی او در قسطنطنیه تقریباً با اقامت ایرانیان جلالی وطن کرده به این شهر،

9) Anis el-'Ochâq, traité des termes figurés relatifs à la description de la beauté, par Cheref-eddin Râmi, traduit du persan et annoté

10) Charles DefrâMERY

11) Auguste CARRIÈRE

12) Société Asiatique de Paris

13) Barbier de MEYNARD

14) "Mémoire sur la fin de la dynastie des Ilkhaniens", J.A., 1876, t. 8, pp. 316-362.

15) Etienne-Marc QUATREMÈRE

16) Jean DENY

به‌ویژه میرزا حبیب اصفهانی و میرزا آقاخان کرمانی، مقارن بود. میرزا حبیب شهرت بیشتری داشت. وی عضو انجمن معارف (فرهنگستان) آنجا بود، با زبان‌های ترکی و عربی آشنا شده بود، و زبان فرانسه را نیز هنگام «تدریس فارسی در مدارس آنجا» (آرین‌پور، ج ۱، ص ۳۹۵) آموخته و توانسته بود از این سه زبان برای تدوین دستور زبان فارسی، که در دست تهیه داشت، بهره ببرد. اقدام او در تألیف دستور سخن (۱۲۸۹ق/۱۸۷۲م) از استقبال خاورشناسان و فارسی‌زبانان برخوردار شد. آدلف وارموند^{۱۷}، خاورشناس اتریشی، که ضمن درس دستور زبان فارسی، با میرزا حبیب آشنا شده بود، به نوبه خود به نگارش دستور زبان فارسی نو^{۱۸} (۱۸۷۵) مبادرت کرد. هوآر نیز، به هنگام اقامت در قسطنطنیه، با میرزا آقاخان کرمانی مراوده داشت و از دروس زبان و ادبیات فارسی او بهره می‌برد. (آدمیت، ص ۲۵ و ۴۱)

ژوزف آرتور دوگوبینو^{۱۹}، در ادیان و فلسفه در آسیای مرکزی^{۲۰} (۱۸۶۵)، درباره بایبه بحث مفصل و بدیعی می‌کند که مورد توجه مراکز خاورشناسی کشورهای دخیل در امور ایران قرار گرفت. دو دوست ایران‌شناس، ادوارد براون و کلیمان هوآر، نیز، با شوق تمام، به این مبحث رو آوردند. هوآر از سال ۱۸۸۷ دو مقاله با عناوین «یادداشت‌هایی درباره سه اثر بابی^{۲۱}» و «مذهب باب، تحقیقی درباره تجدد مذهبی در ایران قرن نوزدهم^{۲۲}»، و به دنبال آنها، اثر مستقل مذهب باب، تجدد ایرانی قرن نوزدهم^{۲۳} (۱۸۸۹) را منتشر و، سرانجام، در نقدی با عنوان «بایبگری و بهائیکری، در اثر براون، مواد لازم برای مطالعه مذهب بابی^{۲۴}»، به تحلیل آخرین داده‌های این موضوع پرداخت. آنچه مسلم است، هم

17) Adolphe WAHRMUND

18) *Pratisches Handbuch der Neupersischen Sprach*, Giessen.

19) Joseph-Arthur de GObINEAU

20) *Les Religions et les Philosophies dans l'Asie centrale*

21) "Notes sur trois ouvrages babis", *J.A.* 1887, t. 7, pp. 133-144.

22) "La religion de Bab, essai de réformation de l'islamisme en Perse au XIX^e Siècle", *Revue de l'Histoire des Religions (RHR)*, 1888, t. 18, 3, pp. 279-296.

23) *La Religion de Bab, réformateur persan du XIX^e Siècle*, Paris 1889.

24) "Le Babisme et le béhaisme, d'après l'ouvrage de Browne, Materials for the Study of Babi Religion (1918)", *Journal des Savants (J.S.)*, 1918, pp. 312-320.

هوآر و هم براون، در این باب، از هشت بهشت میرزا آقاخان کرمانی، که به صورت دست‌نوشته مانده بود استفاده کردند (آدمیت، همان، ص ۲۷ و ۶۳). هوآر، در متون ایرانی درباره فرقه حروفیه^{۲۵} (۱۹۰۹) نیز، از این اثر کرمانی بهره برده بود. (همان، ص ۲۷)

در سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۵۸، گوینو، به هنگام اقامت در ایران، متوجه اهمیت ادبیات عامیانه (فولکلوریک) شد. او، در سخن از ادبای کلاسیک صوفی‌منش ایران، به اشعار باباطاهر به لهجه لری اشاره می‌کند و برای آن ارزش بسیار قایل می‌شود (گوینو، ص ۳۱۸ و ۳۱۹). این قول توجه هوآر را جلب کرد. وی، در سال ۱۸۸۵، به این شاعر مردمی، که تا اوایل قرن پنجم هجری در قید حیات بود، پرداخت و شماری از رباعیات او را ترجمه و در مجله آسیائی منتشر کرد^{۲۶}. در سال بعد نیز، سروده‌های این شاعر را با عنوان رباعیات باباطاهر عربان به زبان پهلوی عصر اسلامی [فهلویات] به چاپ رساند^{۲۷}. دارمیستیر در این باره می‌نویسد: «درحالی‌که پهلوی ساسانی از فارسی باستان مشتق شده و فارسی نو را پدید آورده، پهلوی عصر اسلامی، معرف زبان قدیم سرزمین ماد است.» (J.A., 1887, t. 2, p. 90). هوآر، در سال ۱۹۰۸، اشعار دیگری از این شاعر را با عنوان «رباعیات نو از باباطاهر عربان^{۲۸}» ترجمه و در یادواره اشپیگل منتشر کرد. همچنین، در سال ۱۹۱۸، سروده‌های دیگری از باباطاهر را با عنوان «رباعیات فارسی منتشر نشده^{۲۹}» در یادواره دستور هوشنگ در دسترس محققان قرار داد. براون نیز، که از کارهای هوآر در این زمینه مطلع بوده، محبوبیت اشعار باباطاهر و اشعار شاعر هم‌وطن خویش، رابرت برنز^{۳۰} (قرن ۱۸) را مقایسه کرده است. (براون، ص ۱۳۱)

گویش‌های ایرانی نیز توجه هوآر را جلب کرده است. وی ابتدا «یادداشتی درباره

25) *Textes persans relatifs à la secte des Houroufis* (London 1909).

26) "Quatrains de Bâbâ Tâhir 'Uryan, publiés et tradiuts", *J.A.*, 1885, t. 6, p. 502.

27) *Les quatrains de Bâbâ Tâhir 'Uryan en pehlevi musulman*, publiés et tradiuts, Paris 1886.

28) "Nouveaux quatrains de Bâbâ Tâhir 'Uryan", *Spiegel Memorial Volume*, 1908, pp. 290-302.

29) "Quatrains persans inédits", *Dastur Hoshang Memorial Volume*, 1918, pp. 581-587.

30) Robert Burns

گوش دری خوانده‌شده زردشتیان یزد^{۳۱} سپس «گوش ایرانی سیوند^{۳۲}» و، پس از آن، «زبان دری در عهد تیمور^{۳۳}» (فرهنگ خاورشناسان، ج ۱، ص ۴۵۱) را منتشر کرد. مهم‌تر اینکه او حاصل تحقیقات مبسوط خویش را با عنوان «گوش‌های کردی، زبان‌ها و گوش‌های شمالی ایران^{۳۴}»، در مأموریت علمی در ایران به سرپرستی ژاک دو مورگان ارائه داد. هوآر به سنن فرهنگی ایران نیز علاقه نشان داده است. وی مقالاتی در این باب با عناوین «یلدای ایرانی^{۳۵}»، «موسیقی ایرانی^{۳۶}» و «دسته زنجیرزان ایرانی در قسطنطنیه^{۳۷}» نوشته و منتشر کرده است. براون این مجموعه تحقیقات هوآر را در مبحث مربوط به گوش‌های ایرانی خود وارد کرده و هوشمندانه از آنها بهره جسته است. (براون، ص ۴۳)

در سال ۱۸۹۸ شیفر درگذشت و هوآر به استادی (پنجمین استاد) زبان فارسی در مدرسه زبان‌های زنده شرقی منصوب شد. در اساسنامه این مدرسه مقرر گشته بود که استاد صاحب کرسی الزاماً باید دستور زبان مربوط به تدریس خود را تهیه کند. اما از بدو تأسیس مدرسه (۱۷۹۵) هیچ‌یک از استادان زبان فارسی این توفیق را نیافتند و تنها هوآر بود که به تألیف دستور زبان مقدماتی فارسی، به همراه رساله‌ای کوتاه درباره عروض، محاوره، نمونه‌های ترسلی و گزیده‌ای از امثال (۱۸۹۹)^{۳۸} همّت گماشت که مورد توجه باریبه دو منار قرار گرفت (J.A., 1899, t. 14, p. 36). این دستور، در مقایسه با دستورهای فارسی مشابهی که در اروپا تألیف شده بود، مزایای تازه‌ای نداشت و گرایش به تلفظ

31) "Notes sur le prétendu dialecte déri des parsis de Yazd", J.A., 1888, t. 11, p. 298-302.

32) "Le dialecte persan de Siwand", Ibid, 1893, t. 1, pp. 241-265.

33) "Le déri au temps de Timour", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft (ZDMG)*, 1898, t. 52, p. 196.

34) "Dialectes kurdes, les langues et les dialectes du nord de la Perse", in Jacques de Morgan, *Mission scientifique en Perse*, Paris 1904, t. 5, 1 ère partie.

35) "Persan Yelda", *Mémoires de la Société de linguistique de Paris (MSLP)*, 1903-1905, t. 13, pp. 256-257.

36) "Musique persane", in *Encyclopédie de la musique* (de Lavignac), Paris, 1913, t. 5.

37) "La procession des flagellants persans à Constantinople", *RHR*, 1889, t. 9, pp. 353-370.

38) *Grammaire élémentaire de la langue persane*, suivie d'un petit traité de prosodie, de dialogues, de modèles de lettres, et d'un choix de proverbes, Paris 1890, 150 p.

ترکی اسامی استفاده از آن را مشکل می‌ساخت. بی‌شک هوآر، در تدوین این دستور، از دروس میرزا آقاخان کرمانی استفاده کرده بود. سوای آن، شیخ محمدحسین سیرجانی، از فرانسه‌زبانان آن عصر، امکان آن را یافت که، با مساعدت ملکم‌خان، در همان سال انتصاب هوآر، به پاریس برود و در همان مدرسه به عنوان مُعید به تدریس زبان فارسی مشغول گردد. امّا هانری ماسه، در سخن از مدرسهٔ زبان‌های شرقی، به این همکار سیرجانی اشاره‌ای ندارد. (Massâ 1948)

هوآر، در طول تدریس خود، توانست آثار چندی در زمینهٔ ادبیات و تاریخ ایران منتشر کند، از جملهٔ این کارهاست گرشاسب‌نامه، منظومهٔ فارسی اسدی طوسی، تصحیح و ترجمه^{۳۹} در دو جلد (پاریس ۱۹۲۶). (اِته، ص ۲۹۷)

هنر خطاطی و نقاشی ابتدا در قسطنطنیه مورد توجه میرزا حیب اصفهانی قرار گرفت. سپس خاورشناسان به مطالعهٔ این هنر در شرق پرداختند. هوآر نیز، در این باب، خوشنویسان و مینیاتوریست‌های شرق اسلامی^{۴۰} (۱۹۰۸) را منتشر کرد و لوسین بووا^{۴۱} مقاله‌ای به آن اختصاص داد (J.A., 1909, t. 13, p. 126). ادگار بلوشه، در چاپ انتقادی تاریخ مبارک غزانی^{۴۲}، اثر رشیدالدین فضل‌الله، مطالب بسیاری از حواشی کاترمر در تاریخ مغول‌های ایران^{۴۳} (۱۸۳۶) را اخذ کرده و بدون ذکر نام وی در کتاب خود درج کرده است. بلوشه به تذکر هوآر در این باب آن هم با لحن تند (J.A., 1914, t. 4, p. 459) واکنشی نشان نمی‌دهد؛ امّا، در نقد مینیاتور ایرانی، از قرن دوازدهم تا هفدهم^{۴۴} (۱۹۲۹) نوشتهٔ آرمناگ سرکیسیان به شدت به او می‌تازد و خطاهایی در ترجمه به او نسبت می‌دهد. آن هم مربوط به زمانی که ده سالی می‌شد که به تدریس زبان ترکی اشتغال داشت^{۴۵}.

39) *Le Livre de Gerchasp, Poème persan d'Assadi Junior de Tous*, Publié et traduit, Paris, 1926, 2 vol.

40) *Les calligraphes et les miniaturistes de l'Orient musulman*

41) Lucien BOUVAT

42) *Tarikh-i moubarak-i ghazani*, texte publié par Edgar Blochet, 1914.

43) *Histoire des Mongols de la Perse*

44) Arménag Bey SARKISIAN, *La Miniature persane du XII^e au XVII^e Siècle*.

45) *Revue Critique*, 1930, t. 97, p. 23.

درواقع هوآر، از سال ۱۸۹۸، در مدرسه زبان‌های شرقی، هم‌زمان با تدریس زبان فارسی، زبان ترکی نیز درس می‌داد (DENEY, 1948, p. 29) و، پس از درگذشت باریبه دوینار، عملاً جانشین او شد اما هیچ‌گاه عنوان استاد کرسی زبان ترکی را کسب نکرد. (Ibid)

هوآر به تاریخ ایران باستان و تاریخ ایران عصر اسلامی هم علاقه نشان داد و در این حوزه نیز آثار چندی پدید آورد که بعضی از آنها پس از درگذشت او منتشر شد. از جمله ایران باستان و تمدن ایرانی^{۴۶} (۱۹۵۱)، ایران باستان، عیلام، پارس و تمدن ایرانی^{۴۷} (۱۹۵۱)، اسطوره‌شناسی ایران^{۴۸} (۱۹۲۸)، قلعه الموت^{۴۹} (۱۹۰۸)، «مظفریان در آذربایجان»^{۵۰} (۱۹۲۲)، «زیاریان»^{۵۱} (۱۹۲۲) و مقاله طولانی «ایران» در دایرةالمعارف بزرگ^{۵۲}. او نقد مفصلی هم بر تاریخ ایران^{۵۳} (۱۹۱۵) پرسی سائیکس نوشت (J.S., 1916, pp. 250-260) و، در آن، با اظهار شگفتی، سهم فرانسویان را در نگارش تاریخ ایران ستود. بارتولد نیز، که سائیکس را «سیاح» می‌خواند، تألیف او را «قانع‌کننده» نمی‌دانست. (بارتولد، ص ۱۷۷)

پس از درگذشت هارثویگ درنبرگ^{۵۴}، مدیر بخش مطالعات اسلامی و مذاهب در مدرسه مطالعات عالی، هوآر، با حکم وزارتی مورخ ۲۲ مارس ۱۹۰۹، به جانشینی وی انتخاب شد (E.P.H.E. Ann., 1909, p. 41) و، از همان ایام، به تحقیق و تدریس درباره شخصیت سلمان فارسی پرداخت. وی حاصل تحقیقات خود در این باب را در دو عنوان سلمان فارسی^{۵۵} (۱۰۹۰) و تحقیقات جدید درباره شخصیت سلمان فارسی^{۵۶} (۱۹۱۲-۱۹۱۳)

46) *La Perse antique et la civilisation iranienne*

47) HUART, C. et DELAPORTE, L., *L'Iran antique, Elam et Perse et la civilisation iranienne*

48) *Mythologie de la Perse*

49) *La forteresse d'Alamut*

50) "Les Mosafirides de l'Adherbaïjan", *Browne Festschrift*, pp. 228-256.

51) "Les Ziyarides", *Mémoires de l'Institut de France (M.I.F.)*, 1922, t. 52, pp. 357-436.

52) "Perse", *La Grande Encyclopédie (Paris)*, 1900, t. 26, pp. 443-479.

53) Percy Sykes, *A History of Persian*, London, 1915, 2vols.

54) Hartwig DERENBOURG

55) *Selman du Fars*

56) *Nouvelles recherches sur la légende de Selman du Fars* (Extrait de l'E.P.H.E., Conférences de 1912-1913)

منتشر کرد. شاگردانی همچون یورگ کرامر^{۵۷}، ولادیمیر مینورسکی^{۵۸} و مادام گدار^{۵۹} در محضر درس هوآر حضور می‌یافتند. (Ibid, 1921, t. 30, p. 501; 1926, t. 35, p. 43)

هوآر، طی دوران همکاری با انجمن آسیائی، وقایع ادبی مربوط به سرزمین‌های اسلامی را خبر می‌داد و مقالاتی هم در این باره می‌نوشت. چاپ نمونه‌های ادبیات فارسی در قسطنطنیه از جمله این قبیل اخبار بود (Ibid, t. 18, p. 261). هوآر، در بین ایرانیان، شخصیت شناخته‌شده‌ای بود. آشنائی او با ایرانیان مقیم قسطنطنیه سبب شد که سرنوشت پرویز (۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م) تألیف علی محمد خان اویسی، عضو هیئت نمایندگی امور مالی در قسطنطنیه، را معرفی کند (Ibid, 1913, t. 1, p. 241). اویسی نخستین کسی بود که، در زمینهٔ درام منظوم، اثری بر اساس داستان خسرو و شیرین نظامی پدید آورد و در ادبیات نمایشی ایران کسب جایگاه کرد (ملک‌پور، ج ۲، ص ۲۳۳). هوآر با نشریات وزینی همکاری می‌کرد و به حوادث و رویدادهای زمان خود توجه داشت. مقاله «خلافت و جهاد»^{۶۰} (۱۹۱۵) به قلم او در واقع متأثر بود از اندیشه رایج در آن زمان دربارهٔ اتحاد اسلام.

هوآر در تلفظ اسامی فارسی و ارائه شکل فارسی آنها به هنگام حرف‌نویسی دچار اشکال بود. وی به فارسی با لهجه ترکی سخن می‌گفت.

منابع

- آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، چاپ دوم، پیام، تهران ۱۳۵۷.
- آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، چاپ سوم، کتاب‌های جیبی، تهران ۱۳۵۳.
- آیه، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمهٔ رضازاده شفق، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۶.
- اقبال آشتیانی، عباس، خاندان نوبختی، چاپ سوم، طهوری، تهران ۱۳۵۷.
- بارتولد، ولادیمیر وویچ، خاورشناسی در روسیه و اروپا، ترجمهٔ حمزه سردادور، ابن سینا، تهران ۱۳۵۱.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، «دارالتعلیم رشت»، یادگارنامهٔ فخرائی، به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، نشر نو، تهران ۱۳۶۳، ص ۳۸۶-۴۲۶.
- براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ترجمهٔ علی پاشا صالح، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶.

57) J. KRAEMER

58) V. MINORSKY

59) Mme Godard

60) "Le Khalifat et la Guerre sainte", *RHR*, 1915, t. 72, p. 288-303.

طبری، محمدعلی (عمادالدین آذرمان)، *زبدة الآثار*، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۲.
فرهنگ خاورشناسان، ج ۱، گروه مؤلفان و مترجمان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۶.

گوبینو، ژوزف آرتوردو، سه سال در آسیا، سفرنامه کنت دوگوبینو (۱۸۵۵ - ۱۸۵۸)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کتابسرا، تهران ۱۳۶۷.

ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی، ج ۲، توس، تهران ۱۳۶۳.

Bibliothèque de l'Ecole Pratique des Hautes Etudes (E.P.H.E.), de 1875 à 1893, et de 1921 (Annuaire) à 1926;

DENY, Jean (1948), *Turc (1795)*, Paris.

DUPONT-FERRIER, Gustave (1923), "Les Jeunes de langues ou 'Arméniens' à Louis-le-Grand". *Revue des Etudes Arméniennes* t. 3, pp. 43-47.

HUART, Clément (1875), *Anis el-'Ohâq...*, Paris (*Bibliothèque de l'E.P.H.E.*, Fascicule 25).

— (1922), "L'islamisme", *Le livre du centenaire de la Société Asiatique (1822-1922)*, Paris, pp. 141-206.

GOBINEAU, Joseph-Arthur de (1983), "Les Religions et les philosophies dans l'Asie centrale", *Œuvres* (Bibliothèque de la Pléiade), Gallimard, Paris, pp. 403-809.

Journal Asiatique (J.A.), 1875-1926.

Journal des Savants (J.S.), 1916-1918.

MASSÂ Henri (1948), *Persan (1795)*, Paris.

Revue Critique, 1930.

Revue de l'Histoire des Religions (RHR), 1888 à 1889.

